

مقاله پژوهشی: بررسی بسترهای امکانی منطقه غرب آسیا در بروز جنگ‌های ترکیبی با تأکید بر نظریه امنیت منطقه‌ای

جواد رفیعی راد، اسید یحیی صفوی، سعدالله زارعی، علی اصغر بیگ^۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۹

چکیده

منطقه غرب آسیا به علت موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچر، کانون رقابت قدرت‌های بین‌المللی و نیز به واسطه جغرافیای متکثر از هویت‌های گوناگون قومی و مذهبی، محل تداخل منافع بازیگران منطقه‌ای به شمار می‌آید. در این راستا منطقه غرب آسیا به‌ویژه در دوران پساجنگ سرد، منطقه هدف در تنازعات هدایت‌شده از سوی قدرت‌های غربی بوده که البته با گذر از شیوه‌های منظم و متقارن، به «جنگ‌های ترکیبی» گرویده، ضمن اینکه به نظر می‌رسد اقتضائات درونی نیز در این تحول بی‌تأثیر نبوده است. هدف اصلی این پژوهش؛ بررسی بسترهای امکانی موجود و مؤثر در منطقه غرب آسیا در بروز جنگ‌های ترکیبی است. این پژوهش از نوع کاربردی و توصیفی بوده و روش‌شناسی ترکیبی پژوهش مبتنی بر گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای در قالب مطالعه کشورهای منطقه غرب آسیا بوده و نیز بهره‌گیری از «روش دلفی» در کسب نظر نخبگان است. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش عوامل امنیتی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی موجود در منطقه غرب آسیا در بروز جنگ‌های ترکیبی مؤثر بوده و آینده این منطقه همواره زمینه و بسترهای لازم برای ایجاد و رشد بحران را دارا است.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، ژئوپلیتیک، جنگ ترکیبی، قدرت.

۱. دانشجو دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (javadra2015@gmail.com)
۲. استاد دانشگاه عالی دفاع ملی، دکتری جغرافیا سیاسی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
۳. عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین، دانشجو دکتری امنیت ملی، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
۴. دکتری مدیریت نظامی راهبردی، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

مقدمه

غرب آسیا منطقه‌ای با ویژگی‌های خاصی همچون قرار گرفتن در میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا، خاستگاه ظهور ادیان بزرگ، محور تبادلات و تحولات منطقه‌ای، پایگاه امپراتوری‌های بزرگ، داشتن آبراه‌های مهم بین‌المللی، وضع منابع غلیظ ایدئولوژیکی و درنهایت قلب حوزه فرهنگی اسلام است. این منطقه به واسطه همین ویژگی‌ها نه تنها منحصر به فرد است بلکه یکی از مناطق راهبردی جهان نیز به حساب می‌آید (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۵۸).

جایگاه انرژی خلیج فارس نیز موقعیت ممتازی به این منطقه می‌بخشد که در مجموع شامل ۵۹/۱ درصد از کل ذخایر ثابت شده نفت و ۴۰ درصد از کل ذخایر ثابت شده گاز است. خلیج فارس همچنین به شکل تقریبی ۴۱ درصد مصارف نفتی جهان را تأمین می‌کند و روزانه نیمی از این نفت مصرفی از تنگه راهبردی هرمز عبور می‌کند (گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۸).

این منطقه برخلاف سایر مناطق جغرافیایی جهان به‌ویژه به دلیل منابع انرژی و قدرت و موقعیت ژئوپلیتیکی، در کنار فرآیند جهانی شدن و رشد اسلام‌گرایی در اشکال مختلف از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و قدرت‌های جهانی نمی‌توانند با خویشتن‌داری نسبت به سرنوشت و آینده این منطقه بی‌تفاوت باشند. به همین دلیل هم‌زمان با آغاز قرن بیست و یک، ایالات متحده آمریکا، افغانستان و عراق را اشغال نمود، سپس پیشنهادهای متعدد در مورد رابطه اعراب و رژیم صهیونیستی نظیر «نقشه راه» و «خاورمیانه جدید» را ارائه نمود که جنگ‌های ۳۳ روزه علیه حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ م و جنگ غزه ۲۰۰۸ میلادی را سبب شد که همگی حاکی از شکل‌گیری موجی از بی‌ثباتی در دهه آغازین سده جدید در منطقه غرب آسیا می‌باشد (اسدیان، ۱۳۸۹: ۲۸). در دهه اخیر نیز ظهور داعش و بحران سوریه بخش دیگری از این رویکرد را نمایان ساخت.

در همین راستا، شیوه جدید جنگ در منطقه با عنوان جنگ‌های ترکیبی در حال انجام

است. در این نوع جنگ که از جنگ‌های روانی، حملات سایبری، جنگ دیپلماسی، جنگ اقتصادی، جنگ فرهنگی و مذهبی، اقدامات تروریستی، جنگ‌های منظم و نامنظم در آن دیده می‌شود، اهداف متعددی شامل توازن قوا و برتری ژئوپلیتیک به نفع آمریکا، فروش تسلیحات نظامی به کشورهای منطقه، تضعیف محور مقاومت، دستیابی به منابع عظیم انرژی، فراهم کردن صادرات گاز رژیم صهیونیستی به اروپا و متلاشی کردن مرزهای جغرافیایی منطقه برای دستیابی به طرح غرب آسیای بزرگ را به دنبال خواهد داشت (مایل افشار، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

بر همین اساس پرسش اصلی این پژوهش آن است که: «بسترهای امکانی مؤثر منطقه غرب آسیا در بروز جنگ‌های ترکیبی با توجه به نظریه امنیت منطقه‌ای چه می‌باشند؟» برای پاسخ به این پرسش، محقق در ابتدا به منظور آگاهی بیشتر از موضوع و روش مرتبط با این پژوهش در تحقیقات گذشته، پیشینه‌شناسی و بررسی در این تحقیقات را مطرح می‌نماید. سپس مفهوم جنگ ترکیبی و منطقه غرب آسیا ارائه می‌گردد. در بخش سوم با توجه به نظریه امنیت منطقه‌ای، ویژگی‌های امنیتی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی منطقه غرب آسیا مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش چهارم مقاله با تمرکز بر مفهوم جنگ ترکیبی، ارتباط بین عوامل پیش‌گفته و جنگ مذکور را مورد مذاقه قرار می‌دهد و پرسش اصلی را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد ویژگی‌های امنیتی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی در منطقه غرب آسیا منجر به تشدید بحران و بروز جنگ‌های ترکیبی شده است و ثبات و امنیت را تهدید می‌نماید. روش تحقیق این پژوهش از نوع کاربردی و توصیفی بوده و روش‌شناسی ترکیبی پژوهش مبتنی بر گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای در قالب مطالعه کشورهای منطقه غرب آسیا بوده و از «روش دلفی» در کسب نظر نخبگان بهره گرفته شده است.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

الف. پیشینه تحقیق

در رابطه با منابع و پیشینه تحقیق منبعی با عنوان دقیق پژوهش حاضر که به شکل

همه‌جانبه‌ای به بررسی بسترهای امکانی مؤثر در بروز جنگ‌های ترکیبی در منطقه غرب آسیا پرداخته باشد، وجود نداشته، اما منابع مورد استفاده هر کدام با توجه به اهدافی که مورد نظر نویسندگان آن‌ها بوده است، به بررسی جنبه‌ای از این عنوان پرداخته‌اند. از میان مطالعات انجام‌شده در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نجفی و قادرزاده (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای با عنوان «گسترش تروریسم در غرب آسیا از دیدگاه جنگ ترکیبی» در چهارچوب نظریه نواقع‌گرایی تهاجمی، ضمن بررسی ادبیات جنگ هیبریدی و ویژگی‌های ترور و تروریسم، به ارتباط این دو باهم و تحلیل آن پرداخته و نتایج یافته‌هایشان حاکی از این است که تروریسم و جنگ ترکیبی در منطقه غرب آسیا باهم مرتبط بوده و راهکارهای مقابله با آن را نیز ارائه نموده‌اند.

سنایی و آجودانی (۱۳۹۵)، در مقاله «چیستی و سیر تحولات تاریخی جنگ ترکیبی» با هدف دستیابی به تأثیر جنگ ترکیبی به‌عنوان یکی از متغیرهای دائمی در جنگ‌های آینده، به تبیین مبانی، اصول، ویژگی‌ها و اهداف جنگ ترکیبی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که با تعیین چگونگی و چرایی تشکیل یک نیروی هیبریدی می‌توان با جنبه‌های متعارف و غیرمتعارف آن مقابله نمود.

موسی حامدبابائی (۱۳۹۶)، در مجله علوم و فنون نظامی، مقاله‌ای با عنوان «رویکرد موجود در غرب آسیا در بروز جنگ ترکیبی، نگرش‌ها و تجربه‌ها» را چاپ نموده است. هدف این تحقیق بررسی وضعیت جغرافیایی، فرهنگی و مذهبی منطقه و ویژگی‌های هر یک از آن‌ها در ایجاد مناقشات و برخوردهای مختلف بوده که ضمن ارائه موارد فوق، راهکارهای عملیاتی برای مقابله با بروز آن ارائه شده است.

کیومرث حیدری و همکاران (۱۳۹۶)، مقاله‌ای تحت عنوان «فلسفه حاکم بر جنگ ترکیبی و عوامل موجود در منطقه غرب آسیا در بروز جنگ» را به چاپ رسانده‌اند. هدف این مقاله بررسی چیستی و فلسفه حاکم بر جنگ‌های نوین با نام جنگ‌های ترکیبی و مصادیق عینی این جنگ در دهه اخیر بوده که در ادامه، روش‌های کاهش آسیب‌پذیری در مواجهه با این حملات نیز تبیین و مطرح گردیده است.

با توجه به موارد پیش گفته، بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته، به تأثیر جنگ ترکیبی و نگرش‌های تاکتیکی پرداخته و تقریباً پژوهش مهمی در زمینه بسترهای امکانی منطقه غرب آسیا در بروز جنگ ترکیبی صورت نگرفته است. به همین خاطر در پژوهش حاضر، سعی شده است با توجه به اهمیت موضوع ضمن بسط آن، از دیدگاه امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی مورد بررسی قرار گیرد.

ب. مفهوم‌شناسی

جنگ ترکیبی: عبارت است از عملیات مشترک نظامی و غیر نظامی که هدف اصلی آن پشتیبانی از عملیات منظم رزمی و هدف دیگر آن فروپاشی حکومت موجود در کشور هدف یا میزان است. این نوع جنگ‌ها هم علیه حکومت کشور میزبان (عملیات براندازی و جنگ‌های چریکی) و هم علیه نیروهای اشغالگر (عملیات پارتیزانی) و هم علیه ترکیبی از نیروهای اشغالگر و رژیم دست‌نشانده اجرا می‌گردد (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۰۲).

«جنگ هیبریدی» جنگی با ترکیبی از ابزارهای متعارف نامنظم و ناهمگون است و شامل استفاده یک بازیگر دولتی یا غیردولتی از همه ابزارهای در دسترس دیپلماتیک، اطلاعات، نظامی و اقتصادی با هدف ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف است (آرانی، ۱۳۹۷: ۲۱). این جنگ‌ها می‌توانند توسط دولت‌ها یا نهادهای غیردولتی هماهنگ شده و شامل گستره‌ای از حالت‌های متفاوت جنگ از جمله توانایی‌های متداول، راهکنش‌های نامنظم، انجام خشونت بی‌رویه و اغتشاش‌های جنایی می‌باشند (توماس، ۲۰۱۴: ۴۵).

منطقه غرب آسیا: مفهوم «خاورمیانه» واژه‌ای است که در سال ۱۸۹۴ توسط دریاسالار آمریکایی، «آلفرد تایلر ماهان» در تبیین نقش استعماری انگلستان در جغرافیای جهانی مطرح شد (فنائیان و اشرف، ۱۳۸۹: ۱۶۹). رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید دانشگاه در خصوص واژه خاورمیانه چنین فرمودند که: «من اصرار دارم این منطقه را غرب آسیا بگویم نه خاورمیانه. تعبیر خاور دور، خاور نزدیک و خاورمیانه درست نیست. دور از کجا؟ از

اروپا. نزدیک به کجا؟ به اروپا. یعنی مرکز دنیا اروپاست، هر جایی که از اروپا دورتر است، اسم آن خاور دور است و هر جایی که نزدیکتر است، خاور نزدیک است و هر جا وسط است خاورمیانه است! این تعریف خود اروپایی هاست، در حالی که ما آن را قبول نداریم. آسیا یک قاره است که شرق و غرب و میان‌هایی دارد و کشور ما در غرب آسیا واقع شده است. بنابراین منطقه‌ای که ما در آن هستیم، غرب آسیا است نه خاورمیانه». از این رو منطقه‌ای که ایران نیز در آن جای دارد، منطقه غرب آسیا نامیده می‌شود (مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۱). محدوده‌ای جغرافیایی است که دارای پیوندهای فرهنگی و تاریخی و همبستگی‌های سیاسی و اقتصادی است. این منطقه که مفهوم خاورمیانه را نیز در برمی‌گیرد، همانند هر منطقه دیگر، از یک‌سری پیوندهای فرهنگی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و حتی ژئوپلیتیکی مشترک برخوردار است.

مبانی نظری

الف. نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای

«امنیت» همواره از ابتدایی‌ترین و اصلی‌ترین دغدغه‌های جوامع انسانی بوده و عمده ادبیات سنتی حوزه امنیت، بر مبنای مفاهیم قدرت سخت و محوریت مسائل نظامی به وسیله مکتب «واقع‌گرایی» در روابط بین‌الملل مطرح شده است؛ اما در دهه‌های اخیر؛ دیدگاه موسع امنیتی، موضوع امنیت را صرف تهدیدات نظامی نمی‌داند و هدف مرجع امنیت را از دایره انحصاری تهدیدات دولت‌ها خارج می‌سازد (هافندرون، ۱۳۸۰: ۶۷). بر این اساس به عقیده «هافندورن»، مطالعات امنیتی باید بیش از تمرکز بر امنیت نظامی، بر جنبه‌های اقتصادی، فناورانه و داخلی متمرکز باشد. مکاتب موسع امنیتی استدلال می‌کنند که امنیت معنایی فراتر از دل‌نگرانی از تهدید خشونت‌آمیز داشته و شامل ارزش‌های دیگر

۱ Security

۲ Realism in International Relation

۳ Hafendron

نظیر رشد اقتصادی و آزادی سیاسی نیز می‌شود (کوهن؛ ۱۹۹۵: ۶۷-۶۵). «باری بوزان» نیز به‌عنوان محوری‌ترین چهره مکتب کپنهاگ، امنیت را به پنج مقوله مبسوط تقسیم نموده است: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی (بوزان، ۲۰۰۳: ۵۴). وی امنیت را برابر با «رهایی از تهدید» تعریف می‌نماید و حفظ امنیت را به توان دولت‌ها و جوامع جهت حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن مربوط می‌داند (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۵). در این فرآیند، امنیت از محدودیت «تک‌سطحی» و «تک‌ساحتی» به درآمده و در مفاهیم نو، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی به بعد سنتی آن، افزوده شده است (بصری، ۱۳۸۰: ۱۶۶). در این رابطه برای تبیین موضوع به نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای»^۱ می‌پردازیم که نظریه‌ای روش‌شناسانه با سطح تحلیل منطقه‌ای برای بررسی مسائل امنیت بین‌المللی است. این ساختار دارای چهار معیار است: آنارشیک، قطبش، مرز، ساختار اجتماعی (الگوی دوستی و دشمنی) (بوزان، ۲۰۰۳: ۳۴).

ساختار آنارشیک جهان را فاقد امتداد مرکزی دانسته و می‌گوید باید بین قدرت‌ها رقابت وجود داشته باشد و دولت‌ها را مؤثر در پویای منطقه‌ای در نظر می‌گیرد و آن‌ها را به قوی و ضعیف تقسیم می‌کند (استسفن؛ ۱۹۷۸: ۵۵). در منطقه غرب آسیا دولت‌های قوی به سمت یافتن تهدیدات در خارج از کشور حرکت می‌کنند، در حالی که دولت‌های ضعیف بر سر امنیت با بازیگران فروملی رقابت می‌کنند؛ چنین دولت‌هایی در برابر تهدیدات خارجی آسیب‌پذیرند و گاهی با ورود بازیگران خارجی در آن‌ها بحران به وجود می‌آید (بوزان، ۲۰۰۳: ۹۲). به‌عنوان مثال کشور سوریه به علت ضعف حاکمیت باعث حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران این کشور شده و در مجموع این ساختار باعث بروز بحران در منطقه نیز گردیده است.

قطبش: این مفهوم ساختار توزیع مادی قدرت سیاسی - نظامی و گفتمانی را در مجموعه

۱Cohen

۲Bary Buzan

۳Reginal Security Complex Theory: RSCT

۴Stephen

امنیتی نشان می‌دهد که می‌تواند تک‌قطبی، دوقطبی یا چندقطبی باشد (همان، ۳۸-۳۶). در منطقه غرب آسیا، برابر نظریه قطبش، قدرت‌های بزرگ در صورتی به قدرت‌های منطقه‌ای واکنش نشان می‌دهند که دارای قابلیت خاص و قابل توجه مرتبط با فرایندهای امنیتی در منطقه‌ای خاص باشند (کی‌نت، ۲۰۰۴: ۱۹). در نتیجه با توجه به توسعه نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا به‌عنوان بازیگران تأثیرگذار امنیتی، این امر باعث واکنش و حضور و تأثیر ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ در منطقه شده و چون در این رابطه تضاد منافع وجود دارد، باعث بحران در منطقه می‌گردد.

مرز: در نظریه امنیت منطقه‌ای، مرز باید وجود داشته باشد و اگر در یک کشور یا منطقه، بحران به وجود آید، به کشور یا منطقه دیگر سرایت نکند (بوزان، ۲۰۰۳: ۴۱). همچنین دولت‌های عایق، مرز میان مجموعه‌های امنیتی را تعریف می‌کنند، مثل افغانستان (مرز بین منطقه غرب آسیا و شرق آسیا و آسیای میانه) و ترکیه (مرز بین غرب آسیا و شرق اروپا). حال کشورهای عربستان، امارات و رژیم صهیونیستی با تشکیل ائتلاف در منطقه در مقابل کشورهای محور مقاومت باعث ایجاد بحران می‌گردند. یا کشور ترکیه که با ترس از نیروهای مستقر در کشورهای عراق و سوریه در جلوگیری از تسلط آن‌ها حرکاتی را انجام داده و باعث بروز بحران در منطقه شده است (مرادی، ۱۳۹۸: ۱۷).

ساختار اجتماعی (الگوهای دوستی و دشمنی) در نظریه مجموعه امنیتی نقش ویژه‌ای دارد که کدام الگوی دوست، دشمنی و یا رقیب وجود دارد (بوزان، ۲۰۰۳: ۵۱-۵۰). کشورهای منطقه غرب آسیا به‌واسطه متغیرهای مختلف مثل تاریخ، مذهب، فرهنگ و ... محل منازعه و تهدید بوده و در سال‌های اخیر بروز و ظهور جنگ‌های نیابتی به پشتیبانی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و گروه‌های افراطی در عراق، سوریه و افغانستان متأثر از متغیرهای بالا بوده و باعث ایجاد بحران گردیده است (مرادی ۱۳۹۸: ۲۵).

ب. ویژگی‌های امنیتی منطقه غرب آسیا (ناامنی ساختاری ناشی از مداخله‌گر بیرونی)

به لحاظ تاریخی به‌ویژه از جنگ جهانی اول، نظم موجود منطقه‌ای در غرب آسیا به‌شدت متأثر از نظام بین‌المللی بوده است. در ساختار نظام دوقطبی نیز توازن منطقه‌ای از عینیت و امکان‌پذیری قابل توجهی برخوردار بود، چراکه الگوهای تعامل منطقه‌ای بر اساس قواعد بازی مشارکت قدرت‌های بزرگ؛ در جهت ایجاد موازنه شکل می‌گرفت (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۷)؛ اما پایان جنگ سرد فرآیند استقلال سطح منطقه‌ای در سیاست بین‌الملل را تشدید نمود (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۵). این موضوع را «جیمز روزنا» با عنوان سیاست در جهان آشوب‌زده تبیین نموده است. بر این اساس که «قدرت‌های بزرگ نقش محوری خود در سیاست بین‌الملل را از دست داده و فرآیند جدیدی شکل گرفته که مبتنی بر ظهور بازیگران منطقه‌ای می‌باشد» (متقی، ۱۳۹۲: ۱۹۰). در این زمینه رفتارهای هژمونیک آمریکا نشان می‌دهد که الگوهای رشد نظم منطقه‌ای نوین در چالش با «لویتان جهانی» آمریکا قرار دارد. چه اینکه خلأ فروپاشی اتحاد شوروی در نظام بین‌الملل به‌طور مؤثری توسط دو جریان متفاوت منطقه‌گرایی و هژمونی آمریکا در حال پُر شدن است و رابطه معکوسی بین این دو الگو برقرار است و آمریکا به‌رغم حضور گسترده نظامی و امنیتی نتوانسته هژمونی و ساختار منظمی را در منطقه ایجاد کند (افتخاری، ۱۳۸۲: ۲۸۳).

نزدیکی جغرافیایی و میزان تعاملات سیاسی، اقتصادی و ... کشورهای منطقه غرب آسیا و همچنین آسیب‌پذیری‌های متقابل آنان به حدی است که می‌توان امنیت و ناامنی در منطقه را به‌هم‌پیوسته ارزیابی نمود. بر اساس نظریه وابستگی متقابل؛ ترتیبات امنیتی غرب آسیا نیز برخاسته از الگوی طبیعی وابستگی متقابل کشورهای این منطقه است، چرا که میزان تعاملات در آن‌ها آن‌چنان وسیع است که هر بحرانی در یک کشور می‌تواند به‌سرعت در منطقه تأثیرگذار شود؛ به عبارت دیگر امنیت یکی، مساوی با امنیت دیگری شده است (موسوی، ۱۳۹۷: ۸۱).

از طرف دیگر به دلیل سطح بالای دخالت‌های فرامنطقه‌ای و همچنین اهمیت راهبردی این منطقه، کشورهای هم‌جوار ناگزیر با مسئله معمای امنیت مواجه هستند و لذا نمی‌توانند مسائل امنیت ملی خود را بدون توجه به مسائل منطقه‌ای طرح و حل و فصل نمایند. این

همان تعریفی است که باری بوزان از صاحب‌نظران مکتب امنیتی «کپنهاگ» از مجموعه امنیت منطقه‌ای به دست می‌دهد (بوزان؛ ۱۳۸۸: ۵۵). افزایش حضور هژمونیک آمریکا به‌عنوان بازیگر مداخله‌گر، الگوی امنیت منطقه‌ای و شرایط سیاسی درون کشورهای غرب آسیا را تحت‌الشعاع مؤلفه‌های بین‌المللی قرار داده است. چه اینکه توجه به غرب آسیا و منابع انرژی آن، ضامن تداوم هژمونی سیاسی-اقتصادی آمریکا به شمار می‌رود. در واقع از آنجا که بیش از ۵۰ درصد از ذخایر اثبات‌شده نفت جهان و ۴۰ درصد از ذخایر گاز جهان در غرب آسیا وجود دارد، این منطقه اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی ایالات متحده خواهد داشت و پیوند مستقیمی با منافع حیاتی و هژمونی آمریکا پیدا می‌کند (ماسون؛ ۲۰۰۳: ۶).

بر همین اساس آمریکا در دوران پساجنگ سرد درصدد اعمال نظام امنیتی منطقه‌ای تک‌قطبی در غرب آسیا برآمد. در این نظام اساساً یک کشور قدرتمند مسئولیت امنیت تعدادی از کشورهای کوچک و داوطلب را در محدوده یک منطقه حیاتی بر عهده می‌گیرد (صیقل، ۱۳۷۳: ۱۴۰). متقابلاً رهبران کشورهای عربی جنوب خلیج فارس، با در اختیار گذاشتن پایگاه و امکانات مختلف، بسترهای لازم را برای حضور و نقش‌آفرینی این قدرت فرامنطقه‌ای فراهم می‌کنند (اسدی، ۱۳۸۹: ۴۱). پایگاه پنجم دریایی در بحرین، دو پایگاه نظامی در کویت، دو پایگاه نظامی دیگر در عمان، یک پایگاه هوایی، انبار اسلحه و دفتر فرماندهی مرکزی منطقه‌ای آمریکا در قطر قرار دارد. همچنین بحرین و کویت مهم‌ترین متحدان غیر عضو ناتوی ایالات متحده هستند (عبدالغفار؛ ۲۰۱۲: ۳۲). نتیجه این همگرایی امنیتی میان آمریکا و سلطنت‌های نفتی غرب آسیا آن است که تا زمانی که این دولت‌ها در دستیابی آمریکا به اهدافش کمک می‌کنند، ایالات متحده بیشتر نگران ثبات این گونه رژیم‌ها بوده و کمتر به مسئله فقدان دموکراسی توجه می‌کند (گاردون؛ ۲۰۰۳: ۴۵). به همین علت هزینه‌های نظامی و رقابت‌های تسلیحاتی در منطقه غرب آسیا (به نسبت تولید ناخالص ملی) بسیار بالا است و کشورهایی همچون رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی از این نظر سرآمدان

۱ Mason

۲ Abdulghafar

۳ Gordon

جهان هستند. همین هزینه‌های بالا، ظرفیت تنش و درگیری نظامی در منطقه را همواره بالا نگه می‌دارد (حافظیان، ۱۳۸۹: ۵۱). گفته می‌شود، انتقال تسلیحات به خاورمیانه طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ م نسبت به سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۳ م بیش از ۳۸ درصد رشد داشته است (کوتاسوف، ۲۰۱۵: ۱۷۶). بر اساس گزارش مؤسسه «صلح بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم»^۱، در سال ۲۰۱۴ م رژیم سعودی با صرف بیش از ده درصد از تولید ناخالص داخلی خود (۸۰ میلیارد دلار) و افزایش ۱۷ درصدی نسبت به سال پیش‌تر از آن، چهارمین کشور در لیست بیشترین هزینه‌های نظامی در جهان بوده است (همان، ۲۰۱۵: ۱۷۹). همچنین گزارش «مؤسسه مطالعات راهبردی و بین‌المللی»^۲ نشان می‌دهد هزینه‌های نظامی اعضای شورای همکاری خلیج فارس، نسبت به ایران حدود نه برابر است (گاردسمان، ۲۰۱۵: ۹). موضوعی که به‌طور مشخص با افزایش درگیری‌های نظامی در غرب آسیا همبستگی دارد.

ج. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی (جمعیت، آبراه‌ها و تنگه‌های موجود، منازعات و

پراکندگی قومیتی)

جمعیت: میزان رشد جمعیت و جوان بودن آن و همچنین میزان شهرنشینی در غرب آسیا تأثیر بسیار زیادی بر وضعیت اقتصادی، شرایط اجتماعی، کارآمدی و ناکارآمدی دولت و گرایش جوانان منطقه به افراطی‌گری دارد (رشنو، ۱۳۹۰: ۱۶۲). جمعیت جوان در عین اینکه می‌تواند به‌عنوان نیروی کار جامعه، سرمایه مناسبی برای هر کشور باشد، تأمین نیازهای متعدد و رو به رشد این جمعیت نیز کار بسیار مشکلی برای کشورهای منطقه است و در صورت وجود نقص در این زمینه، امکان ایجاد ناآرامی‌های مختلف نیز افزایش خواهد یافت (کاظمی، ۱۳۹۲: ۲۰۰). بررسی‌های بالا نشان می‌دهد در منطقه خلیج فارس، ایران، عراق، عربستان و یمن و در منطقه شرق مدیترانه، مصر و سوریه بیشترین جمعیت را دارند و

^۱ Kottasova

^۲ SIPRI

^۳ Center for Strategic and International Studies (CSIS)

^۴ Cordesman

جمعیت شهری در کشورهای فوق در سال ۲۰۲۰ م از مرز ۵۰ درصد گذر خواهد کرد (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۵). در چنین شرایطی مشکلاتی نظیر تراکم جمعیتی، برنامه‌ریزی شهری و بودجه‌بندی بروز می‌یابند که زمینه اصطکاک اجتماعی را فراهم می‌سازند (زندى، ۱۳۹۳: ۱۳).

آبراه‌ها و تنگه‌های موجود: در اصل تنگه‌ها از نظر بازرگانی و نظامی، نقش ارزنده‌ای را در روابط بین‌المللی ایفا می‌کنند (نورانی، ۱۳۹۴: ۱۹) و اهمیت و اعتبار آن‌ها بستگی به ژرفا، طول، پهنا، موقعیت جغرافیایی و میزان آسیب‌پذیری آن‌ها دارد و می‌توانند تأثیر جغرافیایی مهمی بر منطقه و جهان داشته باشند (نطاق‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۱). اهمیت راهبردی تنگه‌ها به این دلیل است که در حوزه‌های مختلف می‌توانند به ایفای نقش بپردازند. در حوزه ارتباطی، ارتباط بین دریاها و اقیانوس‌های بزرگ جهان از طریق تنگه‌ها تسهیل شده است (چگینی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

در حوزه اقتصادی، با کوتاه شدن مسیرهای تردد شناورها، سرعت نقل و انتقال کالاهای تجاری از طریق حمل و نقل دریایی و با بهره‌گیری از تنگه‌ها افزایش یافته است و سبب شده حجم زیادی از کالاها از طریق کشتی‌های غول‌پیکر با هزینه‌های پایین‌تری انتقال یابد (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۹۲).

در حوزه سیاسی و نظامی نیز بدون تردید، تنگه‌ها از اهمیت راهبردی برخوردارند. اهمیت تنگه‌ها در زمان کنونی بیشتر به جهت کشتیرانی بین‌المللی است، به همین دلیل اهمیت بررسی وضعیت حقوق آب‌های تشکیل‌دهنده تنگه در جهت استفاده از آن‌ها برای کشتیرانی بین‌المللی است (سیاری و خانزادی، ۱۳۹۱: ۳۱).

بیش از ۱۰۰ تنگه میان اقیانوس‌ها و آبراه‌ها در جهان وجود دارد که عرض آن‌ها کمتر از ۴۶ کیلومتر (۲۵ مایل) است. اگر امکان رتبه‌بندی این آبراه‌ها بر اساس تعداد کشتی‌ها، حجم کالاهای نفتی، راه‌های جایگزین، چگونگی استفاده نظامی و آسیب‌پذیری جغرافیایی (طول، عرض، عمق) وجود داشت، تنگه جبل الطارق، تنگه‌های بسفر و دارانل، باب‌المنذب و هرمز احتمالاً در شمار آبراه‌های ممتاز قرار می‌گیرند که نزدیک‌ترین رقیب آن‌ها تنگه مالاکا و کانال‌های پاناما و سوئز است. به این ترتیب پنج آبراه از مهم‌ترین

آبراه‌های راهبردی جهان، در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارند و با قدرت، افکار جغرافیاسی را چه در سطح محلی و چه در سطح جهانی تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (عزتی، ۱۳۸۸: ۳۴).

منازعات و پراکندگی قومیتی: در گذشته استعمار بر اساس قرارداد سائیس-پیکو، مرزهای خاورمیانه را ترسیم کرد و تا به امروز نیز تا حدودی این مرزها حفظ شده‌اند، ولی بار دیگر قدرت‌های جهانی به دنبال بازطراحی این مرزها هستند (علی‌بابایی، ۱۳۸۰: ۹۱). به همین منظور باید به پراکندگی قومیت‌های نژادی و مذهبی و منازعات پی‌درپی آن‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین متغیر در افزایش انگیزه قدرت‌ها جهت اجرایی کردن نقشه‌های خود توجه داشت (حافظنیا، ۱۳۹۵: ۱۷۸). هرچند که اکثر نظام‌های سیاسی منطقه به‌شدت سیاست سرکوب و مخفی کردن مشکلات قومی خود را دنبال کرده‌اند، اما به هر حال مشکلات از طرق مختلفی آشکار می‌گردد (جعفری ولدانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳). هرچند که هویت قومی یکی از هویت‌های مطرح است که مردم خواستار حفظ و احیای آن هستند، با این حال، در چهارچوب سیاست‌های منطقه از اهمیت بسیاری برخوردار است. در بخش وسیعی از منطقه، اعراب سکونت دارند. قومیت عرب و زبان عربی در کشورهای عرب منطقه عوامل مهمی هستند که آنان را به یکدیگر پیوند می‌دهد و در عین حال آن‌ها را از مردم غیر عرب منطقه جدا می‌سازد. دو گروه قومی و زبانی دیگر منطقه، فارس‌ها و ترک‌ها می‌باشند که در ایران و ترکیه سکونت دارند (احمدیان، ۱۳۹۰: ۴۸).

در سطح ملی وجود اقلیت‌های قومی و مذهبی از آنجایی که می‌تواند تهدیدی علیه وحدت ملی به حساب آید، توجه دولت‌ها را به سوی خود جلب می‌نماید. در کشورهای که به علت عدم انسجام ملی، آسیب‌پذیر و شکننده‌اند، دولت‌ها بیش از هر چیز بر وحدت ملی تأکید می‌ورزند؛ بنابراین ظرفیت بسیار گسترده‌ای برای درگیری در این منطقه وجود دارد (کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

د. ویژگی‌های اقتصادی

طراحی بسیاری از تحولات منطقه غرب آسیا بر این اساس است که ایجاد توسعه اقتصادی اصلی‌ترین راهبرد مبارزه با تروریسم است. بر همین اساس دولت نومحافظه‌کار آمریکا در طرح «خاورمیانه بزرگ»، با ایجاد یک رابطه مفهومی میان مقولات مذکور تلاش کرد حضور نظامی خود را در منطقه هم‌راستا با «پیشبرد دموکراسی» و «مبارزه با فقر اقتصادی» با عنوان تنها راه مبارزه با تروریسم به‌عنوان اصلی‌ترین عامل ناامنی جهانی مطرح نماید.

در ایالات متحده، دو مکتب فکری متفاوت برای گسترش دموکراسی و لیبرالیسم (ارزش‌های آمریکایی) وجود داشته است. کسینجر معتقد است که آمریکایی‌ها دو برداشت متفاوت از نقش خودشان در نظام بین‌الملل دارند: آمریکا به‌عنوان یک سرمشق دموکراسی یا مبارز راه آزادی (به نقل از: تخشید و نوریان، ۱۳۸۷). این طرز تفکر غرب‌مدار، هنگامی که به خاورمیانه می‌رسد، ابعاد متعددی می‌یابد. اول اینکه، ایالات متحده آمریکا به‌عنوان نقطه اوج دموکراسی لیبرال، برای تحقق خیر برین که در بستر دموکراسی و ارزش‌های غربی شکل می‌گیرد، توسل به زور را مشروع می‌سازد (جرویس، ۲۰۰۳: ۱۸۷) و آمریکا ارزش‌های هویتی خود را در تعارض با هنجارهای مردم منطقه غرب آسیا یافته است. دوم اینکه، توجه به این منطقه و منابع انرژی آن، ضامن تداوم هژمونی سیاسی اقتصادی آمریکا به شمار می‌رود. از نظر استراتژیست‌های آمریکایی به دلیل محوریت اقتصاد در سیاست بین‌الملل، تسلط بر خاورمیانه می‌تواند بازیگران رقیب آمریکا در جهان را کنترل کند (تخشید و نوریان، ۱۳۸۷: ۳۶).

موقعیت جغرافیایی غرب آسیا، منطقه پیوند سه قاره، برای مدت‌های طولانی به راه‌های عبور و مرور آبی و خاکی آن اهمیت راهبردی جهانی بخشیده است. این مسیرها، بازار مصرف منطقه، ذخایر عظیم نفت و گاز و ... از جمله عوامل جذب‌کننده قدرت‌های خارجی به این منطقه بوده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲). در زمان جنگ سرد، به دلیل موقعیت جغرافیایی نزدیک به شوروی و همچنین نیاز بلوک غرب و سرمایه‌داری به انرژی به‌ویژه نفت، بر اهمیت ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا بیش‌ازپیش افزوده شد؛ اما به دنبال فروپاشی شوروی و

پایان جنگ سرد و درهم‌تنیدگی اقتصادی که به تدریج رو به پیشرفت بود، مسئله مهم سردمداری اقتصاد دنیا مطرح شد که خود در گرو تولید و گردش مالی و توسعه صنعت بود (نورانی، ۱۳۹۴: ۶۱). این فرآیندها هم خود به انرژی وابسته بودند و از آنجا که غرب آسیا به‌ویژه خلیج فارس، تأمین‌کننده شصت درصد نفت جهان بود، موقعیت ژئواکونومیک غرب آسیا به تدریج خود را نشان داد و امروزه نیز بسیار مهم است (نامی، ۱۳۸۸: ۵۵).

از لحاظ منابع انرژی، خلیج فارس و دریای خزر اهمیت فراوان دارند؛ ازجمله مزیت‌های انرژی منطقه خلیج فارس، هزینه پایین تولید آن است. به‌ویژه در کشورهای اصلی صادرکننده (ایران، عربستان، عراق و کویت)، این هزینه به میزان تولید نفت از چاه‌های خلیج فارس بستگی دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۴۷). منابع و ذخایر معدنی همواره به‌عنوان یکی از ارزش‌های مهم اقتصادی و سیاسی در جهان مطرح می‌باشند. گستره ذخایر معدنی موجود در منطقه غرب آسیا را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد: آهن و دیگر فلزات در اردن و سوریه، مولیبدن، گالیوم و تنگستن، سرب و روی در عربستان، فسفات‌ها و نمک‌های تبخیری در اردن، لبنان، سوریه، عراق و عربستان سعودی، زغال‌سنگ و مس در ایران، عراق و عربستان سعودی (محمدی، ۱۳۸۰: ۸۴).

از این رو می‌توان گفت منطقه غرب آسیا به دلیل داشتن این موقعیت اقتصادی در فضایی که اقتصاد، همگام سیاست در جهان مطرح شده، از اهمیت ژئواکونومیکی خاصی برخوردار شده است و برخلاف طرح‌هایی مبنی بر کاهش اهمیت نفت و گاز، همچنان در اقتصاد جهانی موقعیت بالایی دارد (مرتضوی و کرمی، ۱۳۹۳: ۶۷۰).

ه جنگ ترکیبی^۱

به دلیل پیچیدگی‌های فزاینده محیطی در جهان امروز، پدیده‌ها نیز به همان میزان پیچیده و چندوجهی شده‌اند. جنگ یکی از پدیده‌ها است که هم به دلیل ماهیت و ویژگی و هم شکل عملیاتی آن دچار تحول بنیادین شده است. طی دهه گذشته، مباحث و مطالب زیادی در مورد

^۱Hybred War

«تغییر شیوه مبارزه، پس از دوره جنگ سرد» مطرح شده است. برخی از کارشناسان بر این باورند که «انقلابی در شیوه‌های مرسوم جنگ» پدید آمده است (دایکی، ۱۳۹۵: ۲۲). فرانک هافمن با توجه به درک کامل این نکته که جهان در حال ورود به دوران زمانی خاصی است (زمانی که دشمنان آمریکا و غرب انواع مختلفی از جنگ را به‌طور هم‌زمان به کار می‌گیرند) مطرح می‌کند.

وی این ایده را «جنگ ترکیبی» می‌نامد. هافمن اشاره می‌کند که دشمنان امروز و آینده، مجموعه الگویی از جنگ‌های مختلف را به کار خواهند گرفت. نیروهای شبه‌دولتی، اغلب ممکن است حالت‌هایی از جنگ غیرمعمول را به کار بگیرند، اما اگر نبرد معمول (ستی)، آن‌ها را به اهدافشان برساند، در آن حضور خواهند یافت. به‌طور مشابه ممکن است که حکومت‌ها علاوه بر روش‌های مرسوم جنگ (برای رسیدن به اهدافشان) در نبردهای غیرمعمول نیز شرکت کنند (مک کالو، ۱۳۹۵: ۱۸).

وقایع ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی باعث پایان بروز جنگ‌های معمول و استفاده مطلق از این شیوه جنگ شد و نظریه‌پردازان نظامی را مجبور به تغییر دیدگاه‌هایشان کرد. در حال حاضر نیز پیش‌بینی‌های انجام‌شده از آینده جهان، خبر از وقوع بحران‌های شدید و نگرانی‌های فزاینده می‌دهد (استیو، ۲۰۰۴: ۱۷). نظریه‌پردازان اشاره می‌کنند که نوع جدیدی از تروریست‌ها با تفکرات افراطی به وجود آمده‌اند که در شرایط مختلف به‌طور مثال در عراق و افغانستان به‌خوبی آموزش می‌بینند و با انگیزه و مهارت بیشتری به کشورشان جهت انجام اعمال مجرمانه و تروریستی بازمی‌گردند یا در نقاط درگیری دیگری حضور می‌یابند. سیر تکاملی گروه‌های تروریستی باعث شده تا آن‌ها برای مبارزه با ارتش‌های مجهز دنیا نظیر آمریکا جسورتر شوند و تمایل بیشتری برای جنگیدن با ارتش‌های مدرن داشته باشند (هافمن، ۲۰۰۶: ۱۴). از حملات سال‌های ۱۹۱۹ م شورشیان

۱ Daiky

۲ Mak kaloo

۳ Stev

۴ Haffman

ایرلندی به واحدهای نظامی ارتش بریتانیا، توانایی مجاهدان افغانستان در سال ۱۹۸۰ م و تجارب شورشیان چین در مقابله با ارتش روسیه را می‌توان به‌عنوان نمونه‌های این سیر تکاملی یاد کرد (استیو، ۲۰۰۴: ۲۰). در اتفاقات بالکان نیز (بعد از دوره حکمرانی یوگسلاوی) فعالیت‌های غیرمعمول، سنتی، تروریستی و مجرمانه به شکل کاملی رخ داده است. موارد بالا را می‌توان به‌عنوان نسل اول جنگ‌های ترکیبی معرفی کرد (گابین، ۲۰۰۶: ۲۵).

رویارویی هیبریدی، به‌کارگیری رویکردهای متنوع و متفاوت برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر و از طریق فناوری‌های غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه اطلاق می‌شود (مک کالو، ۱۳۹۵: ۴۱). به عبارت روشن‌تر این جنگ عبارت است از اندیشیدن، سازمان‌دهی و انجام عملیات متفاوت از آنچه دشمن انجام می‌دهد، به‌منظور به حداکثر رساندن برتری‌های خود یا بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن (آرگون تافت، ۱۳۸۲: ۷۵). بی‌توجهی به حقوق جنگ به‌ویژه حقوق غیر نظامیان و حمله به اهداف غیر نظامی چنان در این جنگ‌ها شایع است که آن را تهدید یا حمله به مراکز جمعیتی یا زیرساخت‌های غیرنظامی می‌نامند (مونکلر، ۱۳۸۴: ۱۴۱). به‌عنوان مثال راهبرد سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما ایجاد جنگ‌های نیابتی و بروز و ظهور گروه‌های مسلح غیر دولتی بود (رسولی‌ثانی، ۱۳۹۴: ۲۰۴).

و. نقش جمهوری اسلامی ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در غرب آسیا
جمهوری اسلامی ایران منطبق با اصل ۱۵۲ قانون اساسی، سیاست خارجی خود را بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیر محارب استوار نموده و بر این اساس مبارزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی و دفاع از نهضت مردمی مقاومت، در سیاست خارجی ایران نقش اساسی

۱ Gaibeen

۲ Ergoon tafft

۳ Monkleer

را ایفا می‌نماید (دهقانی، ۱۳۹۷: ۱۴).

ایران خود را رهبر جناح مقاومت در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌داند و تغییر وضع در منطقه، یعنی تضعیف محور مذکور و این مغایر با اهداف و منافع ملی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به مطالب فوق، اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران در منطقه، به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

۱. جلوگیری از تضعیف قدرت محور مقاومت؛

۲. جلوگیری از کاهش قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود که ربط مستقیم با مورد نخست

دارد؛

۳. جلوگیری از تغییر موازنه قوا به نفع کشورهای مانند ترکیه، عربستان و رژیم

صهیونیستی؛

۴. جلوگیری از نفوذ بیشتر آمریکا در منطقه غرب آسیا؛

۵. جلوگیری از تضعیف امنیت نظامی خود با از دست رفتن عمق راهبردی در

منطقه (متقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵).

تحلیل منازعات در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی

بررسی اهداف و منافع مذکور نشان می‌دهد که محیط آنارشیک نظام بین‌الملل و شرایط خاص غرب آسیا سبب پیگیری الگوهای رفتاری ترس، بقا محوری و قدرت محوری از سوی بازیگران مختلف گردیده و با توجه به ثابت بودن میزان قدرت در نظام و کمبود منابع آن، با ایجاد منافع متعارض از یک سو و تأثیرگذاری بر موازنه قوا از سوی دیگر، سبب‌ساز شکل‌گیری منازعه بین‌المللی در منطقه شده است. به عبارت بهتر، در صورت برهم خوردن موازنه قوای موجود، بازیگران دیگر سعی در اعاده آن نموده و این سبب نزاع می‌شود، هر چند اشکال آن در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای متفاوت است (جعفری و منفرد، ۱۳۹۷: ۳۱).

در سطح منطقه‌ای در چند سال اخیر در خاورمیانه، قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران به دلایل ساختاری و کارگزاری افزایش یافته است. برخی از علل این افزایش به شرح

زیر است: افزایش درآمد نفت، پیشرفت در فناوری‌های جدید نانو، پزشکی، هوا-فضا و نیز دستیابی به فناوری هسته‌ای (علت ساختاری و کارگزاری)، سقوط طالبان در افغانستان و سقوط صدام در عراق (علت ساختاری - در این خصوص باری بوزان مطرح می‌نماید که حذف دشمن یک بازیگر منطقه‌ای مثل ایران از سوی قدرت خارجی مثل آمریکا باعث افزایش خودکار قدرت آن بازیگر در منطقه می‌شود) (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۱)، قدرت‌گیری شیعیان در عراق (علت ساختاری و کارگزاری)، به قدرت رسیدن حماس در غزه در سال ۲۰۰۵ م (علت ساختاری و تا حدودی کارگزاری)، ناکامی رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ م (علت کارگزاری)، ناکامی رژیم صهیونیستی در جنگ‌های موسوم به ۲۲ روزه و هشت‌روزه غزه (علت کارگزاری)، طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا و تأثیر آن بر تضعیف متحدان منطقه‌ای این کشور در میان اعراب (علت ساختاری)، وقوع تحولات اخیر در منطقه غرب آسیا و کشورهای عربی که موازنه قوا را تا حدودی به سود ایران و جبهه مقاومت تغییر داده است (پارساپور، ۱۳۹۷: ۴۰).

افزایش قدرت ایران در نتیجه این وقایع، موازنه قوای موجود را به ضرر دیگر بازیگران از جمله عربستان و ترکیه تغییر می‌دهد. این تغییر موازنه، عربستان را به سمتی سوق داده که تلاش دارد به‌هم‌خوردگی موازنه را جبران نماید و این یعنی تضاد با منافع ملی و امنیتی ایران، ترکیه نیز به دنبال افزایش قدرت منطقه‌ای خود است. این مسئله با توجه به نزدیکی ترکیه به آمریکا و متحدانش در ناتو، خطر تغییر موازنه به ضرر ایران را به همراه دارد و نتیجه آن واکنش متقابل ایران است (یزدان‌پناه و نامداری، ۱۳۹۷: ۲۶).

در سطح بین‌المللی آمریکا و متحدان آن به دنبال تغییر وضعیت موجود در غرب آسیا هستند. این امر منجر به افزایش نفوذ آنان و به ضرر روسیه و چین خواهد بود (جعفری و منفرد، ۱۳۹۷: ۵۱). در این شرایط، این دو بازیگر در مقابل آمریکا واکنش نشان داده و این مسئله سبب‌ساز منازعه می‌گردد؛ اما واکنش آنان از نوع موازنه نرم است که در آن این بازیگران با فهم امنیتی مشترک با هماهنگی فعالیت‌های دیپلماتیک برای محدودسازی و شکل دادن به نتایجی مخالف ترجیحات آمریکا پرداخته و با این اقدام برای ایجاد تأخیر،

بی‌اثر کردن یا تضعیف اقدام یک‌جانبه آمریکا و متحدانش تلاش می‌نمایند (دهشیار، ۱۳۹۷: ۴۸).

روش‌شناسی

مقاله پیش رو بر اساس هدف، کاربردی می‌باشد. همچنین این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی است. روش تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها در این مقاله شامل روش‌های کتابخانه‌ای، پیمایشی و مصاحبه است. در این تحقیق ابتدا به سابقه تاریخی منطقه غرب آسیا و سپس به مفاهیم امروزی آن از دیدگاه نظریه‌پردازان پرداخته شده است تا بسترهای امکانی مؤثر بر بروز جنگ‌های ترکیبی در آن منطقه مشخص شود. سپس از روش دلفی برای کسب نظرات جامعه خبرگان استفاده شده و مصاحبه صورت گرفته است.

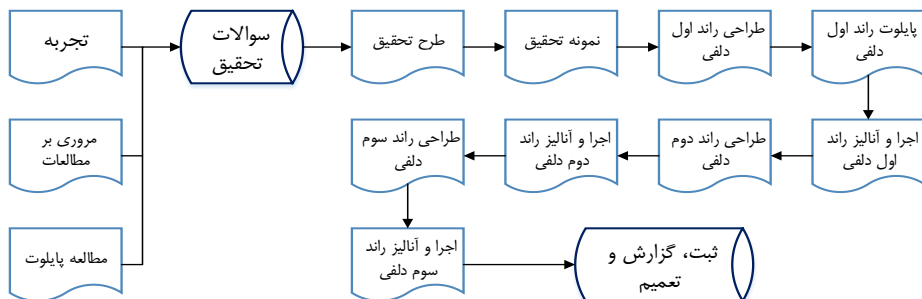
الف. روش جمع‌آوری داده‌ها

این تحقیق از نوع کاربردی و به روش آمیخته می‌باشد که داده‌های کیفی به دو روش کتابخانه‌ای (فیش‌برداری، اسناد و مدارک، استفاده از پژوهش‌های انجام‌شده و مصاحبه با خبرگان) و داده‌های کیفی به روش میدانی (دلفی) جمع‌آوری شده‌اند. به دلیل آنکه محقق به دنبال کشف عوامل مختلف بروز جنگ ترکیبی بوده، با مد نظر قرار دادن نظرات مختلف، از هر دیدگاه برای روشن نمودن ابعاد مختلف مفاهیم استفاده نموده و از کلیه محتواهای دیداری، شنیداری و مکتوب پیرامون موضوع تحقیق که از طریق جست‌وجوی منابع گردآوری شده‌اند و همچنین از مصاحبه با صاحب‌نظران و خبرگانی که در حوزه منطقه غرب آسیا، حائز تجربیات عملی و نظری کافی می‌باشند، استفاده کرده است.

روش دلفی به صورت سامانمند برای استخراج نظرات گروهی از خبرگان در مورد یک موضوع یا سؤال خاص است (دالکی و هم‌لر، ۱۹۶۳). برای ایجاد گروه خبرگان، از روش نمونه‌گیری بر مبنای هدف استفاده می‌شود، این روش نمونه‌گیری از نوع غیراحتمالی است

و علت آن اهمیت کیفیت افراد خبره می‌باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

فرآیند دلفی استفاده‌شده در پژوهش: روش دلفی یک رویه مرحله‌ای است و فرآیند آن در شکل شماره ۲ نشان داده شده است. این روش به پنج قسمت اصلی «فعالیت‌های قبل از شروع»، «راند اول»، «راند دوم»، «راند سوم» و «تصمیم و تصویب» تقسیم می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).



شکل ۲: فرآیند رویه مرحله‌ای روش دلفی (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

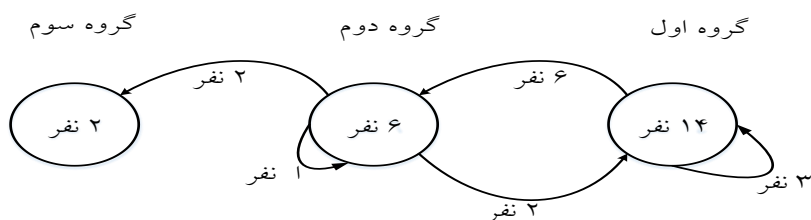
ب. جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل شخصیت‌هایی در سمت‌های معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، معاونت‌های اطلاعات و عملیات ستاد فرماندهی کل آجا، معاونت‌های اطلاعات و عملیات ستاد نزاجا، معاونت‌های اطلاعات و عملیات ستاد نرسا، گروه مشاورین مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در آجا و سپاه، اساتید دانشگاه عالی دفاع ملی و دافوس آجا و سپاه می‌باشند. در این تحقیق برای انتخاب گروه خبره از روش نمونه‌گیری هدف‌دار و گلوله برفی استفاده شده است.

خبرگان دارای چند صلاحیت می‌باشند، ترکیب این گروه خبره با توجه به صلاحیت‌ها عبارت است از:

الف) ۱۶ نفر سابقه فرماندهی و تدریس در مراکز آموزش نیروهای مسلح؛ ب) ۹ نفر سابقه مدیریتی در پست‌های دفاعی و ج) ۱۱ نفر سابقه فرماندهی در دفاع مقدس. به این ترتیب ابتدا ۲۰ دعوت‌نامه برای نامزدها ارسال شد که ۱۴ تن از آنها حاضر به

همکاری شدند. پس از ملاقات اولیه این افراد، آن‌ها نیز نه نفر دیگر از خبرگان را معرفی نمودند که از این نه نفر، شش نفر جدید و سه نفر در گروه اول بودند. گروه دوم نیز پنج نفر دیگر را معرفی نمودند که از بین این پنج نفر، یک نفر در گروه دوم، دو نفر در گروه اول و دو نفر جدید بودند. در نهایت گروه خبرگان از ۲۲ نفر از افراد واجد شرایط تشکیل شد که در شکل ۳ به صورت شماتیک نشان داده شده است.



شکل ۳: مراحل هدفمند انتخاب نمونه‌ها.

ج. اعتبار و قابلیت اعتماد ابزار تحقیق

قابلیت اعتماد، یکی از ویژگی‌های فنی، ابزار اندازه‌گیری است. مفهوم یادشده با این امر سروکار دارد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد. ضریب قابلیت اعتماد، نشانگر آن است که تا چه اندازه ابزار اندازه‌گیری، ویژگی‌های باثبات آزمودنی و یا ویژگی‌های متغیر و موقتی وی را می‌سنجد. در پژوهش حاضر پس از تکوین سؤالات تحقیق و ارزیابی کلمات و جملات، در راند اول، پرسشنامه در اختیار گروه اول از خبرگان قرار گرفت که دارای ساختاری باز بود تا با راهبرد زایش ایده‌ها و طوفان فکری شخصی، جنبه‌های مختلف موضوع تحقیق آشکار شود. در راند دوم پرسشنامه ساختاریافته‌تر شده تا جنبه‌های آشکار شده در راند قبلی مورد بررسی قرار گیرد و معین شود که آیا این جنبه‌ها مورد توافق می‌باشند یا خیر؟ اغلب برای اندازه‌گیری میزان توافق افراد از روش‌های کمی استفاده گردید و در این تحقیق برای سنجش میزان توافق افراد در مورد موضوع از اساس مقیاس (طیف) لیکرت استفاده شد. علاوه بر سنجش توافق

از خبرگان خواسته شد تا استدلال‌های خود را در مورد موضوع بیان نمایند. سپس در راند سوم، خبرگان پاسخ خود را مرور نموده و در صورت نیاز در مورد آن‌ها تجدیدنظر کردند. موضوعاتی که در مورد آن‌ها اجماع شده است، مشخص گردید و در موارد عدم اجماع، دلایل از دیدگاه خبرگان کسب شده است. در این مرحله با به‌کارگیری میانگین، اهمیت موضوعات درجه‌بندی شد. در گام تصمیم و تصویب، نتایج به‌دست‌آمده از اجماع خبرگان استحصال شده و خبرگان از آن‌ها آگاه گردیدند.

یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این مقاله برای تبیین ابعاد مسئله در راند اول، دلفی ویژگی‌های منطقه غرب آسیا از تحقیقات مرتبط استخراج شد و پرسشنامه‌ها بر اساس این یافته تهیه شد. برای سهولت در قضاوت خبرگان، این پرسشنامه به سه قسمت الف) ویژگی‌های امنیتی، ب) ویژگی‌های اقتصادی و ج) ویژگی‌های ژئوپلیتیکی تقسیم‌بندی شده است. از خبرگان خواسته شد تا میزان موافقت خود را در مورد هر یک از گزاره‌های ارائه‌شده در پرسشنامه بیان نمایند. این پرسشنامه علاوه بر گزاره‌های یافته‌شده از تحقیقات پیشین، دارای ساختاری باز بوده و از خبرگان خواسته شد تا گزاره‌های مورد نظر خود را در مورد هر یک از سه بخش پرسشنامه بیان کنند. در این قسمت برای سنجش گزاره‌های اولیه در پرسشنامه (به‌دست‌آمده از مطالعات پیشین)، از مقیاس لیکرت هفت نقطه‌ای مندرج در جدول ۱ استفاده شد.

جدول ۱: امتیازدهی به گزاره‌ها

کاملاً موافق	موافق	نسبتاً موافق	ممتنع	نسبتاً مخالف	مخالف	کاملاً مخالف
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

در پرسشنامه راند اول دلفی، ۱۶ گزاره اولیه به خبرگان ارائه شد. از میان این ۱۶ گزاره، ۹ گزاره دارای میانگین نمره ۵ (نسبتاً موافق) به بالا بودند و از آن‌ها برای

پرسشنامه راند دوم استفاده شد. علاوه بر آن حدود ۱۷ گزاره از گروه خبرگان به دست آمد که از میان آن‌ها ۹ گزاره مجزا استخراج شد و مابقی به دلیل همسانی با یکدیگر حذف شدند.

جدول ۲: گزارش روند اجرای روش دلفی

مجموع	ویژگی‌های امنیتی	ویژگی‌های ژئوپلیتیکی	ویژگی‌های اقتصادی			
۱۶	۴	۷	۵	ارائه شده	گروه‌های اولیه	راند اول
۹	۲	۵	۲	تأیید شده (با میانگین نمره)		
۷	۲	۲	۳	رد شده		
۱۷	۴	۷	۶	قبل از مطابقت با سایر گزاره‌ها	گزاره‌های پیشنهاد شده توسط خبرگان	
۹	۲	۴	۳	پس از مطابقت با سایر گزاره‌ها		
۱۸	۴	۹	۵	ارائه شده	گزاره‌های ارسال شده از راند قبلی	راند دوم
۱۵	۳	۷	۵	تأیید شده (با میانگین نمره ۵)		
۳	۱	۲	۰	حذف شده		
۲	۰	۰	۲	ترکیب شده		
۱	۰	۰	۱	قبل از مطابقت با سایر گزاره‌ها		
۱	۰	۰	۱	پس از مطابقت با سایر گزاره‌ها		
۱۵	۳	۷	۵	ارائه شده	گزاره‌های	راند

سوم	ارسال شده از راند قبلی	تأیید شده (ب میانگین نمره ۶)	۳	۳	۴	۱۰
-----	------------------------	------------------------------	---	---	---	----

در راند دوم ۹ گزاره اولیه و ۹ گزاره راند اول با هم یک پرسشنامه ۱۸ گزاره‌ای را تشکیل دادند. در این پرسشنامه از خبرگان خواسته شد تا نظرات خود را راجع به این گزاره‌ها بیان نمایند. در نهایت در راند دوم ۳ گزاره حذف شد (به علت داشتن نمره کمتر از ۵) و خبرگان نیز پیشنهاد ترکیب ۲ گزاره ارائه شده را در قسمت ویژگی‌های اقتصادی دادند. علاوه بر آن، یک گزاره جدید نیز توسط خبرگان ارائه شد که با دیگر گزاره‌ها مطابقت نداشته و در راند بعدی از آن استفاده شد. در راند سوم ۱۵ گزاره مجدد مورد سنجش قرار گرفتند. در این قسمت برای احصاء اجماع بهتر، نمره پذیرش گزاره‌ها ۶ (موافق) در نظر گرفته شد. پس از جمع‌آوری این پرسشنامه‌ها، ۱۰ گزاره مورد پذیرش قرار گرفت. گزارش روند اجرای روش دلفی در جدول ۲ و نتایج حاصل از آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: گزارش نتایج

انحراف معیار	میانگین امتیاز	ویژگی‌های امنیتی
۰/۵۸	۶/۵۱	۱ ساختار اجتماعی (الگوهای دوستی و دشمنی) تاریخی در منطقه امنیتی است که در ساختار RSC نقش دارند که کدام الگوی دوست، دشمنی و یا رقیب وجود دارد.
۱/۲۸	۶/۶۲	۲ ساختار آنارشیک: این ساختار جهان را فاقد امتداد مرکزی دانسته و می‌گوید باید بین قدرت‌ها رقابت وجود داشته باشد و دولت‌محور بودن را نمی‌پذیرد.
۱/۲۸	۶/۵۷	۳ قطبش: این مفهوم ساختار توزیع مادی قدرت سیاسی - نظامی و گفتگویی را در RSC نشان می‌دهد که می‌تواند تک‌قطبی، دوقطبی یا چندقطبی باشد.
۰/۸۶	۶/۷۶	۴ مرز: RSCT مرز باید وجود داشته باشد و اگر در یک کشور یا منطقه، بحران به وجود آید به کشور یا منطقه دیگر سرایت نکند.
		ویژگی‌های ژئوپلیتیکی

انحراف معیار	میانگین امتیاز	ویژگی‌های امنیتی
۱/۴	۶	ویژگی‌های جمعیتی: میزان رشد جمعیت و جوان بودن آن و همچنین میزان شهرنشینی در غرب آسیا تأثیر بسیار زیادی بر وضعیت اقتصادی، شرایط اجتماعی، کارآمدی و ناکارآمدی دولت و گرایش جوانان منطقه به افراطی-گری دارد.
۰/۹۲	۶/۰۹	آبراه‌ها و تنگه‌ها: پنج آبراه از مهم‌ترین آبراه‌های راهبردی جهان، در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا قرار دارد و با قدرت، افکار جغرافیاسیاسی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.
۲/۰۲	۶/۶۵	منازعات و پراکندگی قومیتی: پراکندگی قومیت‌های نژادی و مذهبی و منازعات پی‌درپی آن‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین متغیر در افزایش انگیزه قدرت‌ها جهت اجرایی کردن نقشه‌های خود به حساب می‌آیند.
ویژگی‌های اقتصادی		
۱/۲	۶/۰۵	منابع و ذخایر معدنی می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع اصلی کسب درآمد ارزی و ارتقای سهم منابع طبیعی در تولید ناخالص داخلی برای کشورهای دارای ظرفیت ذخایر معدنی منطقه غرب آسیا مطرح باشد.
۱/۳	۶/۳	هزینه پایین تولید: از جمله مزیت‌های انرژی منطقه خلیج فارس، هزینه پایین تولید آن، به‌ویژه در کشورهای اصلی صادرکننده (ایران، عربستان، عراق و کویت) است.
۰/۸۷	۶/۳۹	منابع انرژی و نفت و گاز: امروزه اقتصاد جهانی به‌رغم پیش‌بینی‌هایی که درباره کاهش اهمیت آن‌ها گفته می‌شود، همچنان با نفت و گاز این منطقه گره خورده است.

نتیجه تجزیه و تحلیل فوق نمایانگر این است که از نظر مبانی، جنگ ترکیبی، جنگی است که نیروهای منظم و نامنظم قابل توجهی به‌طور هم‌زمان تحت فرماندهی واحدی رزم می‌کنند. ظهور اندیشه جنگ ترکیبی بر پایه اختلاف فزاینده توانمندی‌های طرف‌های متخاصم استوار است و در این چهارچوب است که با تکیه بر ضعف‌های یک طرف و نقاط قوت طرف دیگر، یک تهدید ترکیبی شکل می‌گیرد. اینکه رویارویی هیبریدی پدیده-ای بدیع در قرن بیست‌ویک با نمونه‌ای مربوط به گذشته است، موضوعی به‌طور عمده

نظری است. برخی این پدیده را جدید و برخی نیز نوآوری آن را در قالب واژه‌پردازی دانسته و سابقه آن را به تاریخ جنگ‌ها نسبت می‌دهند، چراکه همه جنگ‌ها تا اندازه‌ای چندشیوه‌ای بوده یا همه جنگ‌ها می‌توانند چندشیوه‌ای باشند. به‌طور کلی می‌توان به وجود رابطه بین عوامل امنیتی، ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، ژئواستراتژیکی و ژئوکالچر موجود در منطقه غرب آسیا با تهدیدات پیشین و تهدیدات مدرن کنونی و آینده اذعان نمود که فرآیند تکاملی تهدیدات همچنان روندی بی‌پایان را طی می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف. نتیجه‌گیری

غرب آسیا همواره به دلیل داشتن منابع عظیم نفت و گاز و موقعیت راهبردی و همچنین به‌عنوان مهد تمدن‌ها و ادیان الهی، مرکز توجه بوده است. در دوران جنگ سرد، غرب آسیا تحت تسلط هر دو بلوک شرق و غرب بود و این بیش‌ازپیش باعث دخالت ابرقدرت‌ها در مسائل منطقه گردید. این موقعیت به همراه جمعیت رو به رشد و محیط اغلب مذهبی غرب آسیا، به آن تمایزی ژئوپلیتیک داده و قدرت‌ها نیز چنین نگاهی به غرب آسیا داشتند. با فروپاشی شوروی، مسائل نظامی و امنیتی کمرنگ و رقابت‌های اقتصادی بیشتر شد؛ به‌ویژه، با توجه به جهانی‌شدن اقتصاد، اهمیت مبادلات اقتصادی، گردش سرمایه و توسعه صنعت و تولید برای قطب‌های بزرگ اقتصادی و همچنین قطب‌های نوپای آسیای جنوب شرقی، به انرژی و بازار فروش نیاز بیشتری احساس می‌شد. تنازعات در گذشته مستقیم و با حضور قدرت‌های خارجی صورت می‌گرفت؛ اما بعد از اشغال عراق و افغانستان، رقابت‌های منطقه‌ای و گروه‌های فراملی اضافه شده که مرتبط با مسئله جنگ نیابتی و ترکیبی است. تحت تأثیر این شرایط جدید، غرب آسیا با چالش‌های جدید هویتی، فرهنگی، مدنی و ... مواجه شد. از طرفی برابر نظریه امنیت منطقه‌ای، عوامل ساختار آناشری، مرز، قطبش و ساختار اجتماعی در کشورهای منطقه غرب آسیا در بروز جنگ‌های ترکیبی مؤثر است. با توجه به وسعت ویژگی‌های منطقه

غرب آسیا، بروز جنگ‌های ترکیبی که به شیوه‌های مختلف به صورتی هدایت شده و هماهنگ توسط غرب در حال اجرا است به منظور دستیابی به اهداف راهبردی پیش‌گفته است که استفاده از روش جنگ‌های تک‌شیوه‌ای برای رسیدن به آن تاکنون نتیجه چندانی نداشته است و زمینه استفاده جنگ چندشیوه‌ای را فراهم نموده است.

در این پژوهش تلاش گردید تا بسترهای امکانی بروز جنگ‌های ترکیبی در غرب آسیا مشخص گردد، چه اینکه به نظر می‌رسد به جهت خاص‌بودگی شرایط در این منطقه، آنچه عملاً حادث شده است، گسترش بی‌ثباتی نیز بوده است. بر این اساس تصویر ارائه‌شده از وضعیت منطقه نشانگر این مسئله بود که ویژگی‌های امنیتی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل در بروز جنگ ترکیبی مؤثر بوده است. درنهایت در پاسخ به سؤال اصلی به این مسئله که: «بسترهای امکانی موجود در غرب آسیا در بروز جنگ‌های ترکیبی چه هست؟» می‌توان گفت: «عدم نهادینگی دولت در غرب آسیا و اتخاذ رویکردهای تک‌بعدی به‌عنوان مؤلفه‌های ساختاری به تشدید ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی و مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای منجر گردیده و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی و وجود منابع عظیم انرژی در این منطقه باعث گردیده که قدرت‌های بزرگ همواره به این منابع توجه داشته و نتوانند از آن چشم‌پوشی کنند و شیوه‌های جدید جنگ را برای دستیابی به اهداف خود طراحی می‌کنند که جنگ‌های چندشیوه‌ای از این نوع است».

مطالعه و بررسی‌های انجام‌شده در زمینه مقایسه فرآیند تکاملی تهدیدات هیبریدی به‌ویژه مقایسه کمی ابعاد مختلف تهدیدات پیشین و کنونی مؤید آن است که تهدیداتی که در اعصار گذشته و به‌ویژه دهه اخیر روی داده‌اند، دارای ابعاد گسترده و پیچیده‌ای می‌باشند و سیر تحول تهدیدات در ابعاد کمی و کیفی نشان‌دهنده رشد و اثربخشی بیشتر جنگ‌های هیبریدی است و این روند همچنان ادامه خواهد داشت. ماهیت تهدیدات هیبریدی با تهدیدات سنتی به‌کلی متفاوت شده و با روند پیشرفت علم و فناوری بشر همگام و مترادف بوده و همچنان روند تهدیدات هیبریدی جایگزین شیوه‌های سنتی گردیده است.

ب. پیشنهادها

یکی از مراحل بسیار ضروری پایان هر پژوهشی، ارائه پیشنهادها و راهکارها برای پژوهش‌های آتی و همچنین سازمان‌های مربوطه است. در نتیجه پیشنهادهای زیر که حاصل تجربیات محققین در فرآیند پژوهش است، به شرح زیر مطرح می‌شود:

۱- ایران اسلامی که در قلب منطقه غرب آسیا واقع شده و دارای منابع عظیم انرژی و وضعیت ژئوپلیتیکی خاص است، بایستی دشمن استکباری را که برای رسیدن به پیروزی در ابعاد مختلف پا بر میدان گذاشته است، با ایمان و اعتقاد دینی و روش‌های خلاق اطلاعاتی، بازدارنده، نامنظم و متعارف رزمی مورد هزیمت قرار داده، به‌رغم آنکه ارتش متخاصم از سطح جهانی برخوردار باشد. سایر پیشنهادها به شرح زیر است:

۲- توسعه و توان به‌کارگیری موشک‌های بالستیک و تجهیز نیروهای مسلح به موشک‌های مذکور.

۳- ارتقای توانمندی‌های بهره‌گیری از بسیج ملی و اسلامی در گستره جهان اسلام.

۴- تقویت محور مقاومت در قالب گردان‌ها و تیپ‌هایی که از آموزش‌های خاصی برخوردار بوده و می‌توانند ضمن نفوذ از طریق زمین، دریا و هوا به اجرای مأموریت‌های تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی در هر لحظه علیه منافع دشمن پردازند.

۵- تأسیس گردان‌های سایبری و تقابل رایانه.

۶- ایجاد بازدارندگی و دفاع مؤثر با آمادگی‌های فراگیر در حوزه سایبر، رسانه و ابزار و تجهیزات مشروع در حقوق مخاصمات مسلحانه.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- حضرت آیت الله امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، بیانات معظم له، قابل دسترسی در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری در www.khamenehie.ir
- آرانی، امیر (۱۳۹۷)، مجموعه مقالات جنگ ترکیبی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دافوس آجا.
- آرگون تافت، ایوان (۱۳۸۲)، «تئوری جنگ»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۱۹-۱۸، صص ۲۵ تا ۳۳.
- اژدری، حسین (۱۳۸۸)، سخت‌افزار جنگ هیبریدی، تهران، انتشارات سمت.
- احمدیان، محمدعلی (۱۳۸۸)، ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی، مشهد، انتشارات سخن گستر.
- دایکبی، اوکین (۱۳۹۶)، جنگ هیبریدی روسیه تجربه اوکراین برای کشورهای حوزه بالتیک، ترجمه احمد الهیاری، تهران، انتشارات دافوس آجا.
- اسکیلز، رابرت (۱۳۸۹)، جنگ آینده، ترجمه عبدالمجید حیدری، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، «معنا و مقام جنگ در گفتمان‌های امنیتی معاصر»، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۵، صص ۱۲ تا ۲۶.
- امینی، محمدنبی (۱۳۹۰)، «کارکرد شبکه‌های اطلاعات مردمی در جنگ»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۲۴، صص ۹ تا ۱۷.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوون، وین (۱۳۸۳)، «ابعاد جنگ»، ترجمه محمد فیروزی، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۲۳، صص ۳۲ تا ۴۵.
- بیناتقاء، احمدرضا، (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر جنگ‌های هیبریدی»، تهران، انتشارات سمت.
- پارساپور، روزبه (۱۳۹۷)، «جنگ‌های نیابتی منطقه و طرح خاورمیانه بزرگ»، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، مرکز مطالعات خلیج فارس.
- تومس، روبرت (۱۳۸۸)، «بازآموزشی جنگ‌های ضد شورش»، ترجمه دکتر آرمن امینی، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۳۵، صص ۲۹ تا ۴۳.
- تیموتی، مک کالو و جانسون، ریچارد (۱۳۹۵)، جنگ ترکیبی، ترجمه احمد الهیاری، تهران، انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۶)، تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس، تهران، نشر قومس.

- جعفری، علی‌اکبر و منفرد، سید قاسم (۱۳۹۷)، رفتارسنجی آمریکا در قبال دومینوی انقلاب‌های خاورمیانه، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، شماره یازدهم.
- چگینی، حسن (۱۳۸۴)، نظام مدیریت استراتژیک دفاعی، جلد اول، تهران، نشر آجا.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی.
- حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۹)، «آینده توسعه در خاورمیانه: چالش‌ها و چشم‌اندازها»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۱، صص ۷۸-۶۱.
- حسینی، سید محمود (۱۳۹۰)، «نگاهی به ماهیت راهبردهای آمریکای در خاورمیانه»، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۷)، «سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا»، تهران، قومس.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۶)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: سمت.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۵)، «بررسی سیاست هژمون در قبال دولت‌های خاورمیانه در روابط بین‌الملل»، فصلنامه دولت‌پژوهی، شماره ۲، صص ۱۴ تا ۲۳.
- رشنو، نبی‌الله (۱۳۹۰)، «رویکردها و علائق ژئوپلیتیک در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره اول، صص ۱۰ تا ۱۷.
- ساعد، نادر (۱۳۸۵)، «ارزیابی راهبرد جنگ با تکیه بر موازین حقوقی درگیری‌های مسلحانه»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۳۶، صص ۱۲ تا ۳۱.
- سنجابی، علیرضا، (۱۳۸۵)، استراتژی و قدرت نظامی، تهران، نشر پازنگ.
- سیاری، حبیب‌ا... و حسین خانزادی (۱۳۹۱)، تنگه‌های راهبردی جهان، تهران، انتشارات آجا.
- شیخ، محمدرضا (۱۳۹۳)، جنگ ناهم‌تراز، تهران، انتشارات دافوس آجا.
- عاصف، رضا، (۱۳۹۰)، عملیات و جنگ روانی، تهران، نشر معاونت اطلاعات سپاه.
- صفوی، سید یحیی (۱۳۸۷)، «جغرافیای سیاسی جهان اسلام»، فصلنامه سازمان جغرافیایی، سال هجدهم، شماره ۵۲، صص ۳۳ تا ۴۰.
- صیقل، امین (۱۳۷۳)، «مفهوم امنیت در خلیج فارس از نظر ایالات متحده»، ترجمه امیر سعید الهی، مجموعه مقالات چهارمین هم‌اندیشی خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران، نشر ابرار معاصر.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران، انتشارات سمت.

- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۰)، فرهنگ تاریخی سیاسی ایران و خاورمیانه، تهران، چاپخس.
- عصاریان‌نژاد، حسین (۱۳۸۷)، تهدید چندشیوه‌ای، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- غریباق‌زندگی، داود (۱۳۹۳)، «آینده تحولات خاورمیانه و نقش قدرت‌های جهانی»، ماهنامه برآورد، سال دوم، شماره ۲۴، صص ۵۱ تا ۵۹.
- فنایان، لقاءالله (۱۳۸۵)، «خاورمیانه کجاست؟ چرا و چگونه به وجود آمد؟»، فصلنامه سیاست، شماره ۱۲.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، چاپ سوم، تهران، قومس.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۷۷)، «اندیشه جنگ مردمی کلاوزویتس»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۲۲.
- کسیدی، رابرت‌ام (۱۳۸۴)، «چرا قدرت‌های بزرگ در جنگ‌های کوچک بد عمل می‌کنند؟»، مطالعات بسیج، شماره ۲۶، صص ۹ تا ۲۱.
- مایل افشار، فرزاد (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر جایگاه ژئوپلیتیک در مؤلفه‌های قدرت ملی ایران»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال سوم، شماره اول، صص ۱۰ تا ۱۸.
- متقی، ابراهیم؛ بقایی، خرم و رحیمی، میثم (۱۳۹۸)، «بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر (بر اساس رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی)»، نشریه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۵، شماره ۹.
- مرادی، عبدالله (۱۳۹۸)، مبانی اصلی صلح پایدار در مقایسه تطبیقی با نظریات جریان اصلی در روابط بین‌الملل، مرکز مطالعات استراتژیک، سال چهارم.
- منیرحجاب، محمد (۲۰۱۰)، جنگ روانی، ترجمه سعید یارمند، تهران، انتشارات مرکز پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- مونکلر، هرفرید (۱۳۸۴)، جنگ‌های نوین، ترجمه حسن درگاهی، تهران، دوره جنگ سپاه.
- مرتضوی، خدایار و علی‌کرمی، فریا (۱۳۹۳)، «ژئواکونومی خاورمیانه و جهانی‌شدن اقتصاد»، فصلنامه سیاست، شماره ۶۳، صص ۶۱ تا ۶۹.
- محمدی، فرهاد (۱۳۹۰)، «نقش معادن و فلزات در اقتصاد کشورهای خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۱، صص ۳۱ تا ۴۳.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۳)، کشورها و مرزها در منطقه‌ی ژئوپلیتیک خلیج فارس، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه قابل دسترسی در www.cmess.ir
- میرحیدر، دره (۱۳۸۳)، سیری در تحولات ژئوپلیتیک، تهران، مجموعه مقالات کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران.

- موتقی، احمد (۱۳۹۳)، «ناسیونالیسم، دولت و توسعه»، فصلنامه سیاست، سال اول، شماره سوم، صص ۲۱-۳۳.
- نورانی، محمد (۱۳۹۴)، ژئوپلیتیک در حال تغییر در منطقه غرب آسیا، تهران، نشر دانش.
- نامی، محمدحسن و محمدپور، عباس (۱۳۸۸)، «تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم، صص ۷ تا ۱۶.
- نطاق پورنوری، مهدی؛ بشارتی، محمدرضا و رفیعی، احسان (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل مؤثر همگرایی ایران و عمان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، سیاست دفاعی، شماره ۹۸، صص ۸۱-۶۳.
- هافندرون، هلگا (۱۳۸۰)، معمای امنیت و نظریه پردازی در زمینه امنیت بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
- یزدان‌پناه، کیومرث و نامداری، محمدمهدی (۱۳۹۷)، «بحران سوریه؛ با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور»، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره هفتم.

الف. منابع انگلیسی

- Robert A. seeley (2003), Advice for Consientious objectors in the Hybrid war forces(Conventional and unconventional wars),fifth edition,
- Steven Dutch (2006), the First modern Hybrid war and the Last ancient war
- Libicki, Martin (1995), what is information warfare? Washington D.C: National Defence university.
- Thomas M. Kane (2014), Military Logistics and Strategic Performance, London: Frank Cass.
- Hoffman, Bruce (2006), “Testimony Unconventional Threats and Capabilities”, Presnted to the HASC Sub committe on Terrorism.
- Coll, Steve (2004), Ghost Wars: The Secret History of the CLA, Afghanistan, and Bin Laden, from the Soviet Invasion to September ۲۰۰۱, New York: Penguin.
- Kulikov, Anatoly S. (2001), “The First Battle of Grozny,” in Russell Glenn, ed.m Capital Presevation: Preparing for Urban Operations in the Twenty-first Century, Santa Monica: RAND
- Ben-Ari, Guy (2006), “Technological Surprise and Technological Failure in the Current Lebanon Crisis”, Center for Strategic and International Studies, Washington, D.C.
- Cordesman, Anthony H. (2015), “Military Spending and Arms Sales in the Gulf”, Center for Strartegic and International Studies (CSIS) April 28.

- Abdul ghafar, Muhammad (2012), Regional and international strategy for gulf security: A Perspective on the Driving Forces of Strategic Conflict and the Regional Response, Bahrain Center for Strategic.
- Cohen.l (1995), human security, concepts and approaches, in common security in asia, tatsuro matsume and Lincoln chen, tokai university press.
- Gordon, Philip H. (2003), "Bush's middle East vision", Survival Global Politics and Strategy, Vol.45, pp155-165.
- Kottasova, Ivana (2015), "Saudi Arabia boosts military spending to record level", CNN, April 13.
- Mason, Michael (2008), "Renewable Energy in the Middle East", Published in Cooperation with NATO Public Diplomacy Division.
- Wheeler, Deboral (2009), "Working around the State Internet Use and Political Identity in the Arab World", in the Book, Internet Politics, Andrew Chadwick and Philip Howard, London: Rutledge